



پرسمان دینی (۱۰۵)



سازمان

بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه

مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَمَفَاتِيحُهُ السُّؤَالُ، فَاسْأَلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ
تُؤَجَّرُ أَرْبَعَةٌ، السَّائِلُ وَالْمُتَكَلِّمُ وَالْمُسْتَمِعُ وَالْمُحِبُّ لَهُمْ.



دانش همانند گنجینه‌هایی است که کلیدهای
آنها پرسش است. پس بهر سید- خداوند شما را رحمت کند-
که در این بین چهار تن اجر برند:
آنکه می‌پرسد و گوینده و شنونده و دوستدار ایشان.

تحف العقول عن آل الرسول عليهم السلام، ج ۱، ص ۴۱



پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات

یکی از اساسی‌ترین وظایف حوزه‌های علمیه است.





مالک فدی

پرسمان دینی (۱۰۵)

بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه
مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی

مالک فدک

پژوهشگران
حجج اسلام سید کاظم فلاح زاده ابرقویی،
آیت الله احمدی شیخ شیانی، مرتضی
بهرامی خشنودی، آقایان علی محمد تاج
الدین و حسین مصطفوی زاده

مصصح
حجج اسلام سید آیت الله احمدی شیخ
شیانی، مرتضی بهرامی خشنودی

ناظر
حجت الاسلام جواد مرادی

چاپ اول
آذر ماه ۱۴۰۲



فهرست مطالب

مقدمه.....	۹
۱. گزارش همراهی حسنین علیهماالسلام در وقایع فاطمیه.....	۱۱
۲. اهمیت فدک.....	۱۴
۳. عدم تعرض خلفا به غیر از فدک.....	۱۹
۱- موقوفات.....	۲۰
۲- هدایا.....	۲۹
۳- اموال منقول.....	۳۲
۴. اقدامات حضرت علی و فاطمه علیهماالسلام در بازپس گیری فدک.....	۳۵
۵. فعالیت حضرت زهرا علیهاالسلام پس از هجوم به خانه.....	۴۲
۶. جزئیات تجهیز بدن حضرت زهرا سلام الله علیها.....	۴۹
۷. مخفی بودن قبر حضرت زهرا سلام الله علیها و حضور برخی از اصحاب در تشییع جنازه.....	۵۶
۸. تاریخچه عزاداری فاطمیه.....	۶۰
کتابنامه.....	۶۷



مقدمه

مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی، وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مفتخر است در طی سالیان متمادی با بهره‌گیری از کارشناسان باتجربه و با رویکرد تخصصی در فرآیند پاسخگویی، میلیون‌ها پرسش از سوی اقشار مختلف جامعه را در رشته‌های «قرآن و حدیث»، «کلام و اعتقادات»، «تاریخ»، «اخلاق و تربیت»، «مشاوره»، «احکام شرعی» و «سیاست» پاسخ گفته است.

بخش پاسخگویی مکتوب این مرکز، به‌عنوان باسابقه‌ترین بخش، با رسالت «پاسخگویی مطلوب به سؤالات ویژه»، عهده‌دار تولید محتوای غنی و منطبق با اصول علمی تحقیق در عرصه پاسخ به سؤالات دینی است که در راستای توصیف مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای حفظه الله تعالی، بر آن شد تا مجموعه پرسش و پاسخ‌ها را به‌صورت محصولات متنوع و متعدد، در قالب کتاب و نرم‌افزار ارائه کند. این اثر حاوی چند پرسش و پاسخ با موضوع شهادت حضرت فاطمه سلام الله علیها است که با عنوان «مالک فدک» تدوین شده است. رویکرد بخش مکتوب در تدوین این مجموعه رعایت اختصار در تعداد سؤال و ارائه پاسخ جامع و مستند است.



در پایان از حمایت و پیگیری ریاست مرکز ملی پاسخگویی، جناب
حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر محمدجواد اصغری و نیز از همه
کارشناسان محترم پاسخگو و تمامی افرادی که در انتشار این مجموعه
نقش ایفا کرده‌اند، تشکر و قدردانی می‌شود.

از خداوند منان برای همه دست‌اندرکاران در فرآیند پاسخگویی به
پرسش‌های دینی، توفیق روزافزون مسئلت دارم.

مدیر بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه

جواد مرادی



۱. گزارش همراهی حسنین علیهما السلام در وقایع فاطمیه

پرسش:

در جریان هجوم به خانه حضرت زهرا سلام الله علیها مطلبی درباره فرزندان آن حضرت به ویژه امام حسن و امام حسین علیهما السلام یا سخنی از ایشان در منابع وجود دارد؟ آیا همراهی امام حسن علیه السلام با مادرش در کوفه در جریان فدک یا هجوم به خانه صحت دارد؟

پاسخ:

ماجرای هجوم به خانه حضرات زهرا سلام الله علیها و نیز غضب فدک بعد از رحلت حضرت رسول، از جمله مصائبی است که بر اهل بیت علیهم السلام وارد شد. همه این جسارت‌ها از سوی غاصبین خلافت، در جهت اخذ بیعت از امام علی علیه السلام به منظور کسب مشروعیت برای حکومت نامشروع خودشان، حتی به قیمت اذیت و آزار رساندن به یادگار پیامبر اسلام و یا کشتن و ترساندن فرزندان ایشان بود.

در زمان هجوم به خانه، حسنین علیهما السلام بسیار خردسال بوده و طبیعتاً قادر به اقدام خاصی نبودند و اگر هم واقعاً چنین چیزی اتفاق افتاده باشد، مطلبی در منابع گزارش نشده است. با جستجوی به عمل آمده، تنها یک گزارش درباره هجوم به خانه و جسارت به خانه وحی از زبان امام حسن مجتبی علیه السلام وجود دارد که خدمت شما عرض می‌کنم. مرحوم طبرسی در «الاحتجاج» مناظره و گفتگوی امام



حسن علیه‌السلام با برخی از بزرگان قریش در حضور معاویه را آورده که در بخشی از آن، امام گفتگویی با مغیره بن شعبه دارد که در آن به جسارت مغیره نسبت به مادرش حضرت زهرا سلام‌الله علیها اشاره فرموده است:

«تو همان کسی هستی که فاطمه دختر پیغمبر خدا را زدی و بدنش را خون‌آلود نمودی، او بدین جهت جنین خود را سقط کرد. تو این عمل را به علت اینکه رسول خدا را ذلیل بشماری و با امر آن حضرت مخالفت کنی و نسبت به آن بزرگواری هتک حرمت کرده باشی انجام دادی. در صورتی که پیغمبر اسلام صلی‌الله علیه و آله و سلم به حضرت زهرا اطهر می‌فرمود: ای فاطمه! تو برترین زنان اهل بهشت هستی. ای مغیره! بدان که خداوند تو را طعمه آتش جهنم خواهد کرد...»^۱

و اما درباره حضور یا عدم حضور امام حسن مجتبی علیه‌السلام در کنار مادرش در جریان پاره کردن سند فدک توسط خلیفه دوم، باید عرض شود که در هیچ‌یک از گزارشاتی که پیرامون این قضیه وجود دارد، به حضور حسنین علیهما‌السلام یا یکی از آنان به همراه مادرشان حضرت

۱. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۷۸.



زهره سلام الله عليها در کوچه بنی هاشم اشاره ای نشده است.^۱ مگر آنکه گفته شود در جریان هجوم به خانه، طبیعتاً فرزندان حضرت که خردسال هم بودند و در خانه حضور داشتند، شاهد تمام وقایع از جمله سیلی خوردن مادرشان نیز بودند.

واژگان کلیدی:

امام حسن مجتبی علیه السلام، حضرت زهره سلام الله عليها فدک، هجوم به خانه.

منابع برای مشاهده بیشتر:

۱. رنج های زهرا، محمد سپهری، ترجمه کتاب «مأساه الزهرا» نوشته علامه سید جعفر مرتضی عاملی.
۲. اسرار فدک، محمدباقر انصاری.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۵۴۳؛ ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۷۴. (در این منابع، گزارش مربوط به بازگرداندن سند فدک توسط ابوبکر به حضرت زهره سلام الله عليها و سپس بازستاندن و پاره کردن آن توسط خلیفه دوم و نیز سیلی زدن وی به حضرت فاطمه سلام الله عليها آمده است، لکن در هیچ یک، عبارتی مبنی بر اینکه امام حسن مجتبی علیه السلام در آنجا حضور داشته و از نزدیک شاهد ماجرا بوده باشد، وجود ندارد).



۲. اهمیت فدک

پرسش:

چرا باغ فدک برای حضرت زهرا مهم بود؟

پاسخ:

فدک سرزمین حاصلخیز و دارای مزارع، باغات و نخلستان‌های فراوان بوده است^۱ و یهودیان در آن سکونت داشتند^۲ که در سال هفتم هجری بعد از فتح خیبر، به پیامبر اسلام پیشنهاد دادند که در مقابل صلح با سپاه اسلام، نیمی از زمین‌هایشان برای پیامبر باشد و نیم دیگر در اختیار خودشان باقی بماند.^۳ در ادامه نیز حضرت رسول بعد از پذیرش این پیشنهاد، فدک را به دستور خدای متعال به حضرت زهرا سلام‌الله علیها بخشیده^۴ و برای آن سندی را تنظیم کرده و امام علی علیه‌السلام و ام‌ایمن را بر این بخشش شاهد گرفتند.^۵

اما متأسفانه، ابوبکر (خلیفه اول) بعد از وفات حضرت رسول، با این استدلال که پیامبران بعد از خود هیچ مالی را به ارث نمی‌گذارند، فدک

۱. نک: یاقوت حموی، البلدان، ج ۴، ص ۲۳۸؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۴۳۷.

۲. بلاذری، ابوالحسن احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ص ۴۱.

۳. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، ج ۳، ص ۱۵.

۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۴۷۸.

۵. راوندی، قطب‌الدین سعید بن عبدالله، الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۱۱۳.



را از حضرت زهرا سلام الله علیها گرفت.^۱ ایشان نیز برای بازپس گیری حق خویش اقداماتی را انجام دادند، ولی به نتیجه نرسید.

اهمیت فدک برای حضرت زهرا سلام الله علیها و تلاش ایشان برای پس گرفتن حق خود، از چند جهت قابل توجه است:

۱. بر اساس سندی که توسط امام علی علیه السلام به دستور پیامبر اسلام تنظیم شده بود، فدک (همان طور که گفته شد) جزء اموال پیامبر بود که ایشان شخصاً آن را به دخترشان فاطمه زهرا علیها سلام بخشیده بودند. بنابراین، ایشان می خواستند مال خود را پس بگیرند.

۲. فدک به همراه باغ ها و مزارع آن، از درآمد فراوانی برخوردار بود که ایشان از طریق آن می توانستند اقتصاد خانواده خویش و نیز بنی هاشم را تأمین کرده و در کنار آن به فقرا و مستمندان کمک کنند.

۳. بر اساس آنچه در غدیر اتفاق افتاده بود، قرار بود امام علی علیه السلام به عنوان خلیفه بعد از رسول خدا، رهبری جامعه اسلامی را عهده دار شود.

فدک و درآمد حاصل از آن همانند اموال حضرت خدیجه سلام الله علیها برای حضرت رسول، به عنوان یک پشتوانه مالی قوی برای حکومت حضرت محسوب می شد که از طریق آن می توانست جامعه را اداره کند.

۴. بعد از غصب خلافت از امام علی علیه السلام، ایشان نیازمند یک پشتوانه اقتصادی مناسب برای مقابله با دستگاه خلافت بودند. فدک و

۱. ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر، بلاغات النساء، ص ۳۱.



درآمد آن می‌توانست در ادامه مسیر، برای مبارزه با غاصبین خلافت چاره‌ساز باشد.

در مجموع، سرزمین فدک یک ارتباط مستقیم با خلافت و ولایت امام علی علیه‌السلام دارد. بخش بسیار زیادی از خطبه فدکیه که حضرت زهرا سلام‌الله علیها در مسجد خواندند، درباره دفاع از خلافت و جانشینی امیرالمؤمنین علیه‌السلام بود و قسمت اندکی از آن مربوط به غصب فدک بود.^۱ در واقع، فدک و اقدامات حضرت فاطمه سلام‌الله علیها برای بازپس‌گیری آن، بیشتر جنبه سیاسی داشت تا جنبه اقتصادی؛ و برای حضرت در درجه دوم و بعد از مسئله جانشینی امام علی علیه‌السلام قرار داشت. برای اثبات این مسئله مهم، می‌توان از فرمایش امام کاظم علیه‌السلام در این زمینه استفاده کرد. در ملاقاتی که بین ایشان و هارون‌الرشید رخ داد، خلیفه عباسی از امام کاظم علیه‌السلام می‌خواهد مرزهای فدک را مشخص کند تا آن را به امام برگرداند؛ حضرت ابتدا از این کار امتناع می‌کند، ولی با اصرار خلیفه عباسی نهایتاً محدوده آن را مشخص می‌کند. نکته جالب این است که حضرت تنها به محدوده جغرافیایی خاص فدک در اطراف مدینه اشاره نمی‌کند، بلکه تمام سرزمین‌هایی را که در آن زمان جزء قلمرو عباسیان بود، به‌عنوان محدوده

۱. جوهری، احمد بن عبدالعزیز، السقیفه و فدک، ص ۱۳۳ به بعد.



فدک معرفی می‌کند. هارون بعد از مواجهه با این سخن حضرت، ناراحت شده و به امام می‌گوید:

«بفرما جای من بنشین! با این حساب، چیزی برای ما باقی نمی‌ماند!» امام علیه‌السلام در پاسخ فرمودند: «به تو گفتم اگر حدّ فدک را مشخص کنم، تو آن را به ما باز پس نمی‌دهی».^۱

در پایان، برای اثبات سیاسی بودن غضب فدک از حضرت زهرا سلام‌الله علیها، به اعتراف ابن ابی‌الحدید و استادش که از بزرگان اهل سنت از معتزله هستند، اشاره می‌کنیم. وی از استادش «علی بن فارقی» سؤال می‌کند که آیا فاطمه علیها‌السلام در ادعای مالکیت فدک صادق بود؟ استاد در پاسخ می‌گوید: آری. ابن ابی‌الحدید بار دیگر با تعجب این چنین سؤال می‌کند: «پس چرا خلیفه اوّل فدک را به او نداد، درحالی‌که فاطمه نزد او راست‌گو بود؟ استاد در حالی‌که تبسمی بر لب داشت، افزود: «اگر ابوبکر آن روز فدک را به مجرد ادعای فاطمه علیها‌السلام به او می‌داد، فردا به سراغش می‌آمد و ادعای خلافت برای همسرش می‌کرد! و وی را از مقامش کنار می‌زد، و او هیچ‌گونه عذر و دفاعی از خود نداشت، زیرا با دادن فدک پذیرفته بود که فاطمه علیها‌السلام هر چه را ادعا کند راست می‌گوید، و نیازی به بینّه و گواه ندارد.» در نهایت، ابن ابی‌الحدید

۱. سبط ابن‌الجوزی، تذکره الخواص، ص ۳۵۰؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل

ابی‌طالب، ج ۴، ص ۳۲۰؛ ابوالفرج الاصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۳۵۰.



می‌افزاید: «و این یک واقعیت است، هرچند استادم آن را به‌عنوان مزاح مطرح کرد.^۱»

کلمات کلیدی:

حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها، فدک، یهودیان خیبر.

منابع برای مطالعه بیشتر:

- ۱- فدک در تاریخ، سید محمدباقر صدر، ترجمه سید ابوالقاسم حسینی، انتشارات صدر.
- ۲- فدک در فراز و نشیب، تألیف آیت‌الله علی حسینی میلانی، نشر مرکز الحقایق الاسلامیه.
- ۳- پژوهشی در مسئله فدک، مرضیه شیر خدایی، نشر شکوفه‌های دانش.

^۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج‌البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۸۴.



۳. عدم تعرض خلفا به غیر از فدک

پرسش:

آیا حضرت زهرا سلام‌الله علیها غیر از فدک، مال دیگری هم داشت؟ آیا ابوبکر نسبت به آن اموال تعرضی نداشت؟

پاسخ:

بر طبق برخی از روایات، رسول خدا صلی‌الله علیه و آله پس از نزول آیه ۲۶ سوره اسراء «آت ذا القربی حقه»، فدک را به فاطمه سلام‌الله علیها بخشیده بود؛ اما بعد از رحلت ایشان، ابوبکر با تکیه بر حدیثی از پیامبر صلی‌الله علیه و آله مدعی شد انبیاء از خود ارث باقی نمی‌گذارند و به دنبال آن، فدک را به تصرف حکومت درآورد. با مراجعه به اخبار، به اموال دیگری نیز برمی‌خوریم که از جانب رسول خدا صلی‌الله علیه و آله در اختیار حضرت زهرا سلام‌الله علیها قرار گرفته بود؛ ولی این موضوع نیازمند بررسی است که آیا این اموال، در تملک حضرت زهرا سلام‌الله علیها بوده یا اموال موقوفه‌ای بوده که حضرت زهرا به‌عنوان متولی، سرپرستی آن‌ها را در اختیار داشته است.

هنگامی که رسول خدا صلی‌الله علیه و آله از دنیا رفت، جز دخترش فاطمه سلام‌الله علیها هیچ وارث نسبی دیگری نداشت. پس اگر رسول خدا مالی از خود بر جای گذاشته بود، حضرت زهرا سلام‌الله علیها بیش از هر کس دیگری، استحقاق مالکیت بر آن اموال داشت. از طرفی، می‌دانیم که رسول



خدا صلی الله علیه و آله در هنگام حیات خویش، برخی از ارضی اطراف مدینه را به حضرت زهرا سلام الله علیها هبه کرده بود و یا تولیت برخی از موقوفات خویش را به حضرت زهرا سلام الله علیها واگذار کرده بود. وضعیت این اموال را باید جداگانه بررسی کرد. شایان توجه است که این موارد، غیر از اموالی مانند منزل یا وسایل خانه است که در همان عصر به امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت فاطمه سلام الله علیها تعلق داشت و در آنها تصرف می کردند.

۱- موقوفات

از اخبار به دست می آید که اولین موقوفه در اسلام، املاکی است که با عنوان «الحوائط السبعة والعوالی» از آنها یاد شده است. این املاک را یک یهودی به نام مَحْخِرِیق در اختیار رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار داد و آن حضرت نیز آنها را در راه اسلام وقف کرد. «حائط» به دیوار یا نخلستان خرمایی که دور آن دیوار داشته باشد، معنا شده است.^۱

«عوالی» نیز قریه‌هایی در بالای زمین‌های مدینه بود که پایین‌ترین آنها تا مدینه چهار میل فاصله داشت و دورترین آنها از جهت نجد، هشت میل با مدینه فاصله داشت.^۲ بنا به گزارش ابن سعد، مَحْخِرِیق هنگامی که به احد می رفت، وصیت کرد در صورت کشته شدن، اموالش متعلق به

۱. طَرَبِیحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، ج ۴، ص ۲۴۴.

۲. طَرَبِیحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۳۰۳.



پیامبر صلی الله علیه و آله باشد تا ایشان هرگونه که صلاح دانست، آن‌ها را مصرف کند. وی در ادامه به نقل از واقدی آورده است:

«اوقاف رسول خدا صلی الله علیه و آله از اموال بنی نضیر، هفت نخلستان به نام‌های اعواف، صافیه، دلال، میثب، برقه، حسنی و مشربه ام ابراهیم (که ماریه همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن زندگی می‌کرد) بوده است»^۱.

این هفت باغ از سال سوم هجری به ملک رسول خدا صلی الله علیه و آله درآمد و آن حضرت نیز در آن تصرف کردند و کارگران پیامبر صلی الله علیه و آله باغ‌ها را اداره می‌کردند؛ تا این که رسول خدا صلی الله علیه و آله این باغ‌ها را به دخترشان فاطمه واگذار کردند. در برخی از گزارش‌ها تعبیراتی به کار رفته است که گویی این اموال، «ملک» حضرت زهرا سلام الله علیها بوده است؛ چنان که طریحی می‌گوید:

«وكان لفاطمه عليها السلام سبعة حوائط: ...»^۲.

یعنی «حضرت فاطمه سلام الله علیها دارای هفت نخلستان بود که از آن جمله است: عواف، میثب، حسنی و مال ام ابراهیم»؛ اما تعبیر برخی دیگر

۱. ابن سعد، ابوعبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱ ص ۳۸۹-۳۹۰.

۲. «وكان لفاطمه عليهما السلام سبعة حوائط: منها العواف بالعین المهملة والفاء والمثيب بالثاء المثلثة والباء الموحده بعد الباء المثناه التحتانية، والحسنی، ومال أم ابراهیم علیه السلام»؛ طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، ذیل ماده «حوط».



از متون، به گونه‌ای است که نشان می‌دهد این اموال، وقف بوده است.

برای نمونه، در روایتی از امام صادق علیه‌السلام آمده است:

«منطقه میثب همان جایی است که سلمان برای آزادی خودش

بر آن قرارداد مکاتبه بست. آنگاه خداوند آن را بدون جنگ،

به غنیمت پیامبر صلی‌الله علیه و آله درآورد و اکنون در

صدقات حضرت فاطمه سلام‌الله علیها است»^۱.

تعبیر «صدقه» در این گونه موارد، به معنای هر مالی است که در راه خدا

صرف دیگری شده ولی نه به‌عنوان هدیه^۲ و مصادیقی چون زکات و

نذورات و موقوفات دارد و تنها معنای مناسب در این مورد، همان

موقوفات است؛ چنان‌که در برخی منابع نیز به این مطلب تصریح شده

است.^۳

۱. «الْمِثْبَبُ هُوَ الَّذِي كَاتَبَ عَلَيْهِ سَلْمَانُ فَأَفَاءَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ

آلِهِ فَهُوَ فِي صَدَقَتِهِ». کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ج ۷، ص ۴۸، ح ۳.

۲. مرحوم طریحی می‌نویسد: «و الصدقه: ما أعطى الغير به تبرعا بقصد القربه غیر هدیه، فتدخل

فيها الزكاه و المنذورات و الكفاره و أمثالها»؛ یعنی صدقه هر چیزی است که به‌قصد غربت به

دیگری داده می‌شود؛ ولی نه به‌عنوان هدیه. پس زکات و نذورات و امثال این‌ها صدقه شمرده

می‌شوند. طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرین*، ذیل ماده صدق.

۳. «فأعطى فدك و العوالی فاطمه سلام‌الله علیها و روى أنه وقف علیها»؛ مجلسی، محمدباقر،

بحارالانوار، انتشارات اسلامیة، ج ۱۶، ص ۱۰۹.



طبق روایتی، احمد بن محمد از امام رضا علیه السلام درباره حوایط سبعة می‌پرسد که آیا آن‌ها ارث رسول خدا صلی الله علیه و آله برای فاطمه سلام الله علیها بوده است؟ امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «آن‌ها وقف بودند و رسول خدا صلی الله علیه و آله از محل درآمد آن‌ها مخارج مهمان‌های خود را تأمین می‌کرد و هنگامی که رحلت نمود، عباس عموی پیامبر درباره‌ی آن‌ها با فاطمه سلام الله علیها به مخاصمه پرداخت و علی علیه السلام و سایرین شهادت دادند که آن‌ها وقف حضرت فاطمه سلام الله علیها بوده است». در ادامه روایت، این باغ‌های هفتگانه این‌گونه معرفی شده‌اند:

«الدَّلَالُ وَ الْعَوَافُ وَ الْحُسْنَى وَ الصَّافِيَةُ وَ مَا لِأُمِّ إِبْرَاهِيمَ وَ الْمَيْثَبُ وَ
الْبُرْقُ»^۱.

نیز در روایتی از ابوبصیر آمده است: امام باقر علیه السلام به من فرمود: «می‌خواهی وصیت‌نامه‌ی جدهام فاطمه سلام الله علیها را بر تو بخوانم؟». گفتم: «بلی». امام علیه السلام جعبه کوچکی آورد و نوشته‌ای را از آن خارج کرد و چنین خواند:

«بسم الله الرحمن الرحيم. این وصیت‌نامه‌ی فاطمه دخت محمد رسول خداست؛ وصیت کرد تمام هفت نخلستان عواف، دلال، برقه، میثب، حسنی، صافیة و باغچه‌ای که در

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۷، ص ۴۷، ح ۱.



اختیار ماریه قبطیه مادر ابراهیم بود؛ و اجرای وصیت را بر عهده علی بن ابی طالب واگذار نمود و اگر علی از دنیا برود، بر عهده حسن و اگر حسن از دنیا برود، بر عهده حسین است و اگر حسین از دنیا برود، به بزرگ‌ترین پسر از نسل او برسد و خداوند را بر این -وصیت، شاهد می‌گیرم. مقداد بن اسود و زبیر بن عوام را شهود این گفته و علی بن ابی طالب را کاتب سند قرار دادم».^۱

از مجموع این گونه روایات برداشت می‌شود که این باغها در اختیار ائمه -ی معصومین علیهم‌السلام بوده و مخارج آنها برای بنی‌هاشم مصرف می‌شده است؛ چنان‌که امام صادق علیه‌السلام در پاسخ به سؤال ابو مریم درباره موقوفات پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«آنها برای ما حلال است. فاطمه سلام‌الله علیها موقوفاتش را برای فرزندان هاشم و مطلب قرار داد».^۲

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۷، ص ۴۸، ح ۵.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۷، ص ۴۸، ح ۴.



از برخی اخبار فهمیده می‌شود که ابوبکر هنگام تصرف فدک، به این باغ‌ها نیز تعرض داشت^۱ تا این‌که در دوران خلیفه دوم، امیرالمؤمنین علیه‌السلام و عباس بن عبدالمطلب این اموال را از عمر مطالبه کردند و خلیفه به غیر از مزارع منطقه فدک و خیبر، دیگر اموال از جمله این باغ‌ها را به امام علیه‌السلام واگذار کرد.^۲ اما پس از آن، اطلاعات چندانی درباره سرگذشت این باغ‌ها در دست نیست و نمی‌دانیم که در دوران اهل‌بیت علیهم‌السلام این باغ‌ها چگونه اداره می‌شدند؛ اما به نظر می‌رسد همان‌گونه که این زمین‌ها وقف بنی‌هاشم بود، در اختیار آنان نیز قرار داشته؛ چنان‌که در گزارش جهم بن ابی جهم آمده است:

«هنگامی که حسن بن علی علیه‌السلام از دنیا رفت، بنی‌هاشم شخصی را ناله‌کنان به سمت عوالی فرستادند تا خبر را به اهالی آنجا برساند».^۳

باین‌حال، در برخی منابع تعابیری به کار رفته است که باعث اختلاف شده در این‌که این باغ‌های هفتگانه (حوائط سبعة) وقف چه کسانی بوده است. برخی آن‌ها را وقف بر حضرت زهرا سلام‌الله علیها، برخی وقف

۱. قاضی نعمان مغربی، ابوحنیفه نعمان بن محمد، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم‌السلام ج ۳، ص ۳۴.

۲. سمهودی، نورالدین علی بن احمد، وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفی، ج ۳، ص ۱۵۵.

۳. ابن سعد، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱۰، ص ۳۵۰.



بر بنی‌هاشم و برخی وقف بر مسلمانان دانسته‌اند. با توجه به روایاتی که نقل شد و در مقام جمع میان گزارش‌های مختلف، می‌توان دریافت که این باغ‌ها وقف بنی‌هاشم بوده و حضرت زهرا سلام‌الله علیها متولی آن‌ها بوده؛ ولی مدتی بعد از رحلت رسول خدا صلی‌الله علیه و آله این اراضی از بنی‌هاشم گرفته شد و به کل مسلمانان اختصاص یافت. در گزارشی عمر بن عبدالعزیز می‌گوید:

«در مدینه و در حضور مردم، از پیران مهاجر و انصار شنیدم که می‌گفتند این نخلستان‌های هفت‌گانه‌ی رسول خدا صلی‌الله علیه و آله که وقف بر مسلمانان است، از اموال مخیربیک بوده است و مخیربیک وصیت کرده بود که اگر کشته شدم، اموال من متعلق به رسول خدا خواهد بود که در راه خدا مصرف فرماید».^۱

سپس در ادامه‌ی گزارش می‌گوید:

«به هنگام فرمانداری مدینه، به این نخلستان رفته‌ام و از خرما‌ی همین درختان خورده‌ام و هیچ خرمایی به آن عطر و شیرینی ندیده‌ام».^۲

۱. ابن سعد، ابوعبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۸۹.

۲. ابن سعد، ابوعبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۸۹.



روستای «ام عیال» از دیگری مواردی است که احتمال موقوفه بودن آن مطرح است.^۱ ام عیال روستایی پرجمعیت در کنار چشمه‌ی ثجاجة در وادی فرع که از شرق در سایه کوه آرا قرار داشت.^۲ ابن جوزی می‌نویسد: «از اطراف کوه احمر چشمه‌هایی جوشیده که در کنار هر کدام روستایی قرار دارد؛ مانند قریه غناء کبیره که به آن فرع می‌گفتند و برای قریش و انصار و مزینه بود؛ روستای ام العیال که صدقه‌ی فاطمه بوده و...»^۳.

عرام بن اصبغ سلمی درباره این روستا می‌گوید:

«ام عیال روستایی است که به فاطمه زهرا بنت رسول‌الله

صلی‌الله علیه و آله صدقه داده شده است»^۴.

با این حال، در گزارش دیگری آمده که این زمین برای جعفر بن طلحه

۱. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک، ج ۱، ص

۱۴۵.

۲. شُرَّاب، محمدحسن، المعالم الأثریه فی السنه و السیره، ص ۲۰۳.

۳. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک، ج ۱، ص ۱۴۵.

۴. سمهودی، نورالدین علی بن احمد، وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفی، ج ۴، ص ۵.



بن عمر بوده است.^۱ ایوب صبری پاشا در مقام رفع این تعارض می-نویسد: «ام عیال وقف حضرت فاطمه سلام الله علیها بود، ولی اداره‌ی آب آن را ابن طلحه بر عهده داشت».^۲

خلاصه این که مراد از صدقه در این دسته از روایات، همان وقف است و حضرت زهرا سلام الله علیها نیز پس از این که این اموال وقف ایشان شد؛ آن‌ها را در اختیار بنی هاشم و بنی عبدالمطلب قرار داد. نوع وصیت حضرت زهرا سلام الله علیها نسبت به این اموال، نشان می‌دهد که این اموال، وقف بوده و نه ملک شخصی. اگر این اموال ملک شخصی ایشان بود، می‌بایست به عنوان ارث به همسر و فرزندان ایشان می‌رسید و وصیت ایشان نهایتاً در یک سوم این اموال نافذ بود و نمی‌توانست برای سرنوشت این اموال در آینده تصمیم بگیرد؛ ولی در وصایای آن حضرت آمده است که این اموال را به امیرالمؤمنین و پس از او به حسن علیه السلام و پس از او به حسین علیه السلام واگذار کرده است.^۳ چنین وصیتی نسبت به اموال عادی که ملک شخصی باشد، درست نیست.

۱. سمهودی، نورالدین علی بن احمد، *وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفی*، ج ۴، ص ۱۵.

۲. صبری پاشا، ایوب، *موسوعه مرآة الحرمين الشریفین وجزیره العرب*، ج ۴، ص ۸۴۹.

۳. در روایتی که پیش از این از امام باقر علیه السلام نقل شد، متن وصیت‌نامه این گونه ثبت شده است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا أَوْصَتْ بِهِ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَوْصَتْ بِحَوَائِطِهَا السَّبْعَةِ الْعَوَافِ وَالِدَّلَالِ وَالْبُرْقَةِ وَالْمَيْتَبِ وَالْحَسَنِيِّ وَالصَّافِيَةِ وَمَا لِلْأُمِّ إِبْرَاهِيمَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنْ مَضَى عَلِيٌّ فَإِلَى الْحَسَنِ فَإِنْ مَضَى الْحَسَنُ



۲- هدایا

طبق آیه ششم سوره حشر، زمین‌هایی که بدون جنگ و خون‌ریزی به دست مسلمانان می‌افتاد، متعلق به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌و آله بود و ایشان در هر موردی که صلاح می‌دانستند، حق استفاده داشتند و می‌توانستند به دیگران ببخشند یا وقف کنند. فدک مشهورترین مالی است که آن حضرت به دخترش فاطمه سلام‌الله‌علیها هبه داد؛ لیکن برخی آن را ارث دانسته‌اند. به نظر می‌رسد منشأ این اختلاف این باشد که وقتی حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها دید مالکیت او بر فدک را انکار می‌کنند، از باب مماشات، بحث ارث را مطرح کرد که بگوید: اگر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌و آله فدک را به من نبخشیده، پس باید به‌عنوان ارث به من برسد.^۱ این سخن، منطقی است؛ زیرا اگر این اموال در ملک رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌و آله باقی می‌ماند، می‌بایست پس از رحلت ایشان، به‌عنوان ارث به حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها و زنان آن حضرت برسد. چنان‌که در روایتی از امام باقر علیه‌السلام نقل شده است:

فَالِیَ الْحُسَيْنِ فَإِنَّ مَضَى الْحُسَيْنِ فَإِلَى الْأَكْبَرِ مِنْ وُلْدِي شَهِدَ اللَّهُ عَلَيَّ ذَلِكَ وَالْمَقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَالزُّبَيْرُ بْنُ الْعَوَّامِ وَكَتَبَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ: «كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ج ۷، ص ۴۸، ح ۵.

۱. جمله مشهور آن حضرت خطاب به ابوبکر، در همین راستا قابل فهم است که فرمود: «أ في كتاب الله أن ترث أباك و لا أرث أبي؟!»؛ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، انتشارات اسلامیة، ج ۲۹، ص ۲۲۶.



«علی علیه السلام علم رسول خدا و فاطمه سلام الله علیها اموال

رسول خدا را به ارث بردند»^۱.

یعنی وارث مادی و معنوی آن حضرت بودند؛ و البته این سخن منافاتی با این ندارد که همسران پیامبر نیز بر اساس موازین شرعی، سهمی در ارث آن حضرت داشته باشند.

به هر حال این موضوع نیازمند تأمل و بررسی است که آیا غیر از فدک، زمین یا ملک دیگری به حضرت زهرا سلام الله علیها هبه داده شده یا نه؟ اساساً آیا ایشان ملک دیگری غیر از فدک هم داشته یا نه؟

امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه‌ای خطاب به عثمان بن حنیف فرمود:

«از آنچه آسمان بر آن سایه افکنده، تنها فدک در دست ما بود؛

ولی گروهی بر آن بخل ورزیدند»^۲.

ظاهراً این تعبیر، اشاره به املاک و اموال غیرمنقول دارد و منافاتی با این ندارد که ایشان مالک اموال غیرمنقولی هم بوده باشند. به هر حال، از این روایت می‌توان برداشت نمود که در میان اموالی که متعلق به حضرت سلام الله علیها دانسته شده، فدک تنها مال باارزشی بوده که تحت ید ایشان

۱. «ورثت فاطمه ترکتہ»؛ صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله*

علیه و آله، ص ۲۹۴.

۲. «بَلَىٰ كَأَن تَفِي أَيْدِينَا فَدَكٌّ مِّنْ كُلِّ مَا أَظْلَمَتْهُ السَّمَاءُ...»؛ سید رضی، محمد بن حسین،

نهج البلاغه، نامه‌ی ۴۵، ص ۴۱۷.



قرار داشته و مصرفش نیز مختص خانواده‌ی ایشان بوده است؛ بنابراین، سایر زمین‌ها و باغ‌هایی که در روایات و گزارش‌ها متعلق به حضرت زهرا سلام‌الله علیها دانسته شده و یا از آن‌ها تعبیر به صدقه شده، همگی موقوفاتی برای استفاده‌ی بنی‌هاشم یا سایر مسلمین بوده که صرفاً مدیریت و تولی مصرف عوائد آن به حضرت سپرده شده بود و اگر تعبیر «ارث» برای آن‌ها به کاررفته، نوعی تسامح و یا خطا از سوی راوی بوده است. برای نمونه، می‌توان به زمین‌های باقی‌مانده از بنی‌نضیر، سه دژ سالام، وطیح و قموص از منطقه‌ی خیبر، یک‌سوم از وادی‌القری (منطقه-ای بین خیبر و شام)، بازاری در مدینه به نام مه روز و... اشاره نمود که در برخی گزارش‌ها ارث آن حضرت شمرده شده است.^۱ در گزارشی از قول عایشه نقل شده است که:

«فاطمه سلام‌الله علیها، به ابوبکر پیام داد و میراث خود از رسول خدا صلی‌الله علیه و آله را مطالبه کرد؛ و مراد او از آن، چیزهایی بود که خداوند به رسولش اختصاص داده بود که شامل ما ترک پیامبر صلی‌الله علیه و آله در مدینه و فدک می‌شد و آنچه از خمس خیبر به‌جا مانده بود».^۲

۱. ر.ک: حسینی جلالی، سید محمدباقر؛ فدک و العوالی أو الحوائط السبعة فی الكتاب و

السنه و التاريخ و الأدب، ص ۲۰-۳۲.

۲. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۴۰.



این گزارش نشان می‌دهد که ابوبکر نه فقط به فدک، بلکه به دیگر اموالی که تحتید حضرت زهرا سلام‌الله علیها بوده است نیز نظر داشته و تسلط حضرت بر آن اموال نیز با مانع روبه‌رو بوده است. البته در دوران خلیفه دوم، همه این اموال غیر از فدک، به امیرالمؤمنین علیه‌السلام بازگردانده شد.

۳- اموال منقول

چنان‌که اشاره شد، حضرت زهرا سلام‌الله علیها وارث اموال منقول رسول خدا صلی‌الله علیه و آله نیز بوده است. در روایتی حسن بن علی الوشا از امام رضا علیه‌السلام می‌پرسد که آیا رسول خدا صلی‌الله علیه و آله غیر فدک، از اموال چیزی گذاشته بود؟ امام علیه‌السلام در پاسخ فرمود:

«در مدینه حیطانی گذاشته بود و شش اسب و سه ناقه که عضا و صهبا و دیباج است و دو استر که شها و دلدل است و یک حمار که یعفور است و دو گوسفند شیرده و چهل شتر شیرده و یک شمشیر که ذوالفقار است؛ و یک زره که ذات الفضول است و یک عمامه که سحاب است و دو بُرد یمانی و یک انگشتر که فاضل است و چوب‌دستی پیامبر که مشوق است و زیراندازی از لیف و دو عبای قَطَوانی و یک بالش از پوست. پیامبر صلی‌الله علیه و آله جز زره و شمشیر



و عمامه و انگشتر را که به امیرالمؤمنین علیه‌السلام تفویض فرمود، مابقی را به فاطمه سلام‌الله علیها داد.^۱

در این روایت، منظور از حیطان مدینه، همان باغ‌هایی است که درباره آن‌ها سخن رفت و گفتیم که در واقع، وقف بوده و حضرت زهرا سلام‌الله علیها متولی آن‌ها بوده است. دیگر اموالی هم که در این روایت از آن‌ها یاد شده (اسب و ناقه و استر و...) یا در همان حیات رسول خدا صلی‌الله علیه و آله به حضرت زهرا و امیرالمؤمنین هدیه شده و مشمول قانون ارث نبوده و یا بر اساس وصیت رسول خدا صلی‌الله علیه و آله بعد از رحلت ایشان، تحویل ایشان شده است؛ زیرا در غیر این صورت، همسران رسول خدا صلی‌الله علیه و آله نیز به‌عنوان وارثان ایشان، در این اموال حق می‌داشتند؛ حال آن‌که در هیچ گزارشی نیامده است که آنان درباره این اموال ادعایی کرده باشند یا چیزی از این اموال به آنان داده شده باشد.

نتیجه:

غیر از برخی اموال منقول که به‌عنوان ارث یا هدیه در اختیار حضرت زهرا سلام‌الله علیها قرار داشت، فدک تنها ملک غیرمنقول و باارزش آن حضرت بوده است. البته در منابع تاریخی، از باغ‌های هفتگانه و برخی املاک دیگر نیز سخن رفته؛ ولی قرائن حاکی از آن است که هیچ‌یک از

۱. اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الأئمه، ج ۱، ص ۴۶۸.



این اموال، ملک شخصی ایشان نبوده؛ بلکه موقوفاتی بوده است که تولی و تولیت آن‌ها در اختیار ایشان قرار داشته است. با این حال، این اموال نیز همانند فدک، مورد تعرض خلیفه قرار گرفت. در دوران خلیفه دوم، امیرالمؤمنین علیه‌السلام این اموال را از عمر مطالبه کردند و خلیفه به‌غیراز مزارع منطقه فدک و خیبر، اموال دیگر را به امام علیه‌السلام واگذار کرد.

جهت مطالعه‌ی بیشتر:

۱- فدک و العوالی، نوشته‌ی سید محمدباقر حسینی جلالی.

کلمات کلیدی:

اموال فاطمه سلام‌الله علیها، موقوفات رسول خدا، موقوفات فاطمه، فدک، حوائط سبعة، عوالی، ام عیال.



۴. اقدامات حضرت علی و فاطمه علیهما السلام در بازپس گیری فدک

پرسش:

چه اقداماتی توسط امام علی علیه السلام و حضرت زهرا سلام الله علیها برای پس گرفتن فدک انجام شد، آیا حضرت علی علیه السلام هم اقدامی کرد؟ آیا صحیح است که اولی قباله فدک را به حضرت زهرا سلام الله علیها برگرداند و دومی به زور از ایشان گرفت؟

پاسخ:

فدک زمینی حاصلخیز در نزدیکی خیبر بود که پس از فتح آن، رسول صلی الله علیه و آله آن را به دختر خود فاطمه سلام الله علیها بخشید. بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، فدک به نفع خلافت مصادره شد و حضرت فاطمه سلام الله علیها و امیرالمؤمنین علیه السلام در راستای بازپس گیری آن اقداماتی را انجام دادند.

الف. اقدامات حضرت زهرا سلام الله علیها در جهت پس گرفتن فدک
 ۱. ابتدا حضرت فاطمه سلام الله علیها مدعی مالکیت فدک به جهت هبه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله بودند،^۱ اما خلیفه اول برخلاف قاعده «ید» یا

۱. بلاذری، ابوالحسن احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ص ۴۱. حلبی، ابوالفرج حلبی شافعی،

السیره الحلبیه، ج ۳، ص ۵۱۲.



«قاعده البینه علی المدعی»^۱ ادعای حضرت سلام الله علیها را نپذیرفت و از ایشان شاهد طلب کرد. با این حال امیرالمؤمنین علیه السلام و ام ایمن به عنوان شاهد معرفی شدند، اما آنها شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام را به جهت ذی نفع بودن ایشان از فدک نپذیرفتند.^۲

۲. حضرت فاطمه سلام الله علیها پس از بی ثمر بودن دادخواهی شان، خطبه ای را در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله ایراد نمودند. در این خطبه بعد از ادعای خلیفه ی اول به حدیثی از پیامبر سلام الله علیها که انبیاء ارثی از خود باقی نمی گذارند؛ حضرت زهرا سلام الله علیها با استناد به برخی از آیات قرآن ادعای ابوبکر را مردود دانستند.^۳

۳. استمداد و کمک حضرت زهرا سلام الله علیها از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله ؛ چنانکه در نقلی آمده، پس از غضب فدک حضرت

۱. بینه برای شخصی است که مدعی بوده و در اینجا فدک تحت ید حضرت زهرا علیهما السلام بوده و ابوبکر مدعی فدک می شود.

۲. قاضی نعمان مغربی، شرح الأخبار فی فضائل الأئمه الأطهار، ج ۳، ص ۳۲؛ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (منسوب)، الاختصاص، ص ۱۸۴. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، محقق ابراهیم، محمد ابوالفضل، ج ۱۶، ص ۲۷۴.

۳. طبری آملی، محمد بن جریر، دلائل الإمامه، ص ۱۱۶؛ قاضی نعمان مغربی، شرح الأخبار فی فضائل الأئمه الأطهار، ج ۳، ص ۳۶.



زهرا سلام الله عليها نزد معاذ بن جبل رفتند و از او طلب یاری نمودند.

اما معاذ درخواست حضرت سلام الله عليها را نپذیرفت.^۱

۴. پس از غضب فدک حضرت زهرا سلام الله عليها به سرزنش اصحاب

رسول خدا صلی الله علیه و آله پرداختند^۲ و با گریه و شکایت از غاصبین

فدک در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله نارضایتی خود را از خلفا

اعلام و آنان را محکوم نمودند.^۳ چراکه مسلمانان همگی جایگاه حضرت

زهرا سلام الله عليها را می شناختند و نارضایتی ایشان را نقض حدیث:

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مَنِّي مَنْ أَدَاهَا فَقَدْ أَذَانِي وَمَنْ أَغْضَبَهَا فَقَدْ أَغْضَبَنِي وَمَنْ أَغْضَبَنِي فَقَدْ

أَغْضَبَ اللَّهُ» می دانستند.

ب. الف. اقدامات امیرالمؤمنین علیه السلام در جهت پس گرفتن فدک

۱. همراهی و حضور در محکمه به عنوان شاهد بر حقانیت حضرت زهرا

سلام الله عليها.^۴

۱. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (منسوب)، الاختصاص، ص ۱۸۴.

۲. طبری آملی، محمد بن جریر، دلائل الإمامه، ص ۱۲۰.

۳. ابن قتیبه، ابو محمد عبدالله بن مسلم، الإمامه و السياسة المعروف، تحقیق علی شیری، ج ۱،

ص ۳۱.

۴. قاضی نعمان مغربی، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، ج ۳، ص ۳۲؛ مفید، محمد بن

محمد بن نعمان (منسوب)، الاختصاص، ص ۱۸۴. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، شرح

نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۷۴.



۲. خطبه خوانی و دفاع علنی از حضرت زهرا سلام الله علیها؛ پس از بازپس گیری مجدد فدک توسط خلیفه‌ی دوم، امیرالمؤمنین علیه السلام به مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و در کنار مهاجر و انصار خطبه‌ای قرائت نمودند. ایشان در آنجا با استناد به آیه‌ی تطهیر به معرفی مقام و منزلت حضرت فاطمه سلام الله علیها پرداختند و رفتار خلفا را برخلاف حکم خدا دانستند.^۱

۳. علاوه بر اعتراض علنی، در برخوردهای مختلفی که امیرالمؤمنین علیه السلام با خلیفه‌ی اول و دوم داشتند به غضب فک اشاره می نمودند و ظلم آن‌ها را بازگو می کردند.^۲

۴. از دیگر اقدامات امیرالمؤمنین علیه السلام ارسال نامه‌ای به ابوبکر بوده که در آن، غضب فدک را محکوم کردند و به عاقبت سوء رفتار آن‌ها اشاره نمودند.^۳

ج. در بیان برگرداندن فدک توسط ابوبکر و بازپس گیری قباله‌ی آن توسط خلیفه‌ی دوم روایات و گزارش‌هایی هم در منابع اهل سنت و هم در منابع شیعه دیده می شود. به عنوان نمونه:

۱. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۱، ص ۹۲.

۲. هبشی، ابوالحسن نورالدین علی بن ابی بکر بن سلیمان، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج ۹،

ص ۳۹؛ طبری، عمادالدین حسن بن علی، کامل بهایی، ص ۳۴۸.

۳. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۱، ص ۹۵.



۱. ابوالفرج حلبی به نقل از سبط بن جوزی از علمای اهل سنت می‌گوید: پس از این‌که ابوبکر سخنان شاهدان حضرت زهرا سلام‌الله علیها را شنید، نامه رد فدک را برای آن حضرت سلام‌الله علیها نوشت؛ اما عمر از راه رسید و نامه را پاره کرد.^۱

۲. در روایتی به نقل از ابن ابی الحدید آمده: هنگامی‌که امیرالمؤمنین علیه‌السلام برای حضرت زهرا سلام‌الله علیها شهادت دادند، ابوبکر سندی نوشت که فدک را تسلیم آن حضرت نماید، عمر اعتراض کرد و سند را پاره کرد.^۲

۳. ابن ابی الحدید در روایتی دیگر از امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل می‌کند که: عمر این نامه را از حضرت سلام‌الله علیها گرفت و نزد ابوبکر آمد و گفت: آیا شما فدک را به فاطمه سلام‌الله علیها برگرداندی؟ ابوبکر گفت: بلی، عمر گفت: علی به نفع خودش شهادت می‌دهد و ام ایمن هم زن است. آنگاه عمر آب دهانش را روی این نامه انداخت و نوشته‌های آن را محو کرد.^۳

۴. در روایتی از امام صادق علیه‌السلام آمده که: وقتی عمر قباله‌ی فدک را دست حضرت سلام‌الله علیها دید به ایشان گفت: آن را به من بده؛ اما

۱. حلبی شافعی، ابوالفرج، السیره الحلبیه، ج ۳، ص ۵۱۲.

۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۷۴.

۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۷۴.



حضرت زهرا سلام الله علیها از سپردن این نامه خودداری کرد. عمر ایشان را با لگد زد درحالی که ایشان به حضرت محسن حامله بود، در اثر این ضربت محسن سقط شد، سپس طوری به صورت ایشان سیلی زد که گویا گوشواره از گوش ایشان افتاد تا این که نوشته را گرفت و پاره کرد.^۱

۵. در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام نقل شده که پس از شهادت دادن امیرالمؤمنین علیه السلام و ام ایمن درباره فدک؛ عمر قباله فدک را از دست حضرت زهرا سلام الله علیها گرفت و آب دهن بر آن انداخت و پاره کرد.^۲

نتیجه:

پس از اینکه فدک از جانب خلفا به نفع حکومت مصادره شد؛ امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا سلام الله علیها اقداماتی را در راستای بازپس گیری آن انجام دادند؛ تا جایی که ابتدا خلیفه اول پذیرفت که فدک را به حضرت سلام الله علیها برگرداند؛ اما عمر با اقدام خلیفه مخالفت کرد و به زور قباله فدک را از حضرت زهرا سلام الله علیها پس گرفت.

۱. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (منسوب)، الاختصاص، ص ۱۸۵.

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۵۵.



کلمات کلیدی:

فدک، امیرالمؤمنین علیه السلام ، حضرت زهرا سلام الله علیها، غصب، شاهد.

جهت مطالعه بیشتر:

- ۱- فدک در تاریخ، سید محمدباقر صدر.
- ۲- من فاطمه هستم، سید محمدتقی قادری.



۵. فعالیت حضرت زهرا علیها السلام پس از هجوم به خانه

پرسش:

حضرت فاطمه سلام الله علیها هنگام هجوم به خانه بعد از مجروح شدن به دنبال حضرت علی علیه السلام به مسجد رفتند؟ حضرت زهرا سلام الله علیها از زمان هجوم به خانه و مجروح شدن تا زمان شهادت چه کارهایی انجام داد؟

پاسخ:

بعد از رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و جریان غضب خلافت امام علی علیه السلام توسط اهل سقیفه حضرت فاطمه سلام الله علیها این اهتمام را داشتند که حق ولایت امام علی علیه السلام را باز پس بگیرند. در همین راستا آن حضرت در تلاش بودند تا چهره واقعی اهل سقیفه و عواقب سکوت در برابر این افراد را تبیین کنند. حضرت فاطمه سلام الله علیها برای اجرایی کردن این مطلب خود پیش قدم شدند. یکی از اقدامات حضرت در جریان هجوم به خانه ایشان نمود پیدا کرد. در این جریان وقتی ایشان با شجاعت تمام مانع بردن حضرت علی علیه السلام به مسجد برای بیعت با ابوبکر شدند و همین امر سبب شد که مأموران حکومت به صورت ناجوانمردانه آن حضرت را مجروح کنند. حضرت فاطمه سلام الله علیها بعد از مجروحیت نیز تا شهادت سعی کردند مسیر افشاگری علیه اهل سقیفه و حمایت از امام علی علیه السلام را ادامه دادند.



بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جریان غضب خلافت توسط اهل سقیفه حضرت فاطمه سلام الله علیها در کنار امام علی علیه السلام سعی در باز پس گیری حق امیرالمؤمنین علی علیه السلام داشتند. رفتن در خانه مهاجران و انصار و یادآوری فضایل حضرت علی علیه السلام و بیعت آنان با امام در دوره پیامبر^۱ بیان خطبه فدکیه و تبیین حقایق و افشای چهره اهل سقیفه در آن بعد از جریان غضب فدک^۲ زیارت قبور شهدا [در احد] هر هفته، روزهای دوشنبه و پنجشنبه^۳ نمونه ای از اقدامات حضرت فاطمه سلام الله علیها بود. بعد از عدم یاری رساندن مردم به امام علی علیه السلام، عده ای از یاران امام به همراه آن حضرت تصمیم گرفتند تا در اعتراض به اهل سقیفه در خانه حضرت

۱. «بنا بر نقل «سلیم بن قیس» از سلمان فارسی پس از جریان سقیفه، چند شب به صورت متوالی امیرالمؤمنین علیه السلام درحالی که همسرش حضرت فاطمه سلام الله علیها را بر مرکبی سوار کرده و دست حسنین علیهما السلام را گرفته بودند، به در خانه تمام کسانی که در بدر حضور داشتند، مراجعه و طلب یاری کردند». سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهالی، ج ۱، ص ۱۴۶ و ص ۲۱۶.

۲. در مورد جریان غضب فدک و خطبه فدکیه مطالعه مدخل فدک در سایت ویکی شیعه مناسب است.

https://fa.wikishia.net/view/%D8%AE%D8%B7%D8%A8%D9%87_%D9%81%D8%AF%DA%A9%DB%8C%D9%87

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، ج ۳، ص ۲۲۸؛ ج ۴، ص ۵۶۱.



فاطمه سلام الله علیها تحصن کنند.^۱ این تحصن گرچه یک اعتراض خاموش بود، اما به شدت برای اهل سقیفه گران آمد چراکه ادامه این تحصن آن‌هم در خانهای حضرت فاطمه سلام الله علیها می‌توانست وجدان‌های خوابیده و غفلت آلوده اهل مدینه را بیدار کند. لذا ابوبکر به عمر بن خطاب دستور داد تا به همراه عده‌ای به خانه حضرت فاطمه سلام الله علیها بروند و تحصن را بشکنند. در این مرحله آنان توانستند به‌جز امام علی دیگر کسانی که در خانه تحصن کرده بودند را از خانه خارج کنند، اما امام علی علیه‌السلام همچنان به تحصن خویش ادامه داد.^۲ همین امر سبب شد ابوبکر از عمر بخواهد امام علی علیه‌السلام را به هر شکلی شده است از خانه بیرون بیاورند و با آوردن ایشان به مسجد وی را مجبور به بیعت به ابوبکر بکنند. عمر بن خطاب برای اجرایی کردن فرمان ابوبکر به همراه عده‌ای به سمت خانه حضرت حرکت کردند و این در حالی بود که فریاد می‌زد علی علیه‌السلام باید برای بیعت به مسجد بیاید و گرنه خانه را با اهلش به آتش می‌کشم.^۳ بر اساس گزارش‌های تاریخی عمر بن خطاب بعد از آنکه حضرت فاطمه سلام الله علیها مانع ورود او و همراهانش به داخل منزل شد این تهدید را عملی

۱. عسکری، سقیفه: بررسی نحوه شکل‌گیری حکومت پس از پیامبر، ص ۹۹.

۲. ابن قتیبه، ابو محمد عبدالله بن مسلم، الإمامه و السیاسة المعروف، ج ۱، ص ۳۰-۳۱.

۳. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، ج ۳، ص ۲۰۲؛ بلاذری، احمد بن یحیی،

انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۸۶.



ساخت و با آتش زدن درب منزل حضرت و شکستن درب وارد خانه شد که در جریان این هجوم آسیب جدی به پهلوی حضرت فاطمه سلام الله علیها وارد شد که در نتیجه فرزندشان محسن سقط شد.^۱

حضرت فاطمه سلام الله علیها با وجود مجروحیت در اثر هجوم، وقتی مشاهده کرد دست‌های امام علی علیه‌السلام را بسته و کشان‌کشان می‌خواهند به سمت مسجد ببرند^۲ با گرفتن پیراهن آن حضرت مانع بردن ایشان به مسجد شد، عمر بن خطاب به قنذ و همراهانش دستور داد که با غلاف شمشیر به بازوی حضرت فاطمه سلام الله علیها بزنند، در نتیجه بازوی آن حضرت به شدت مجروح شد.^۳

بعد از اینکه امام علی علیه‌السلام را به اجبار و کشان‌کشان به مسجد بردند حضرت فاطمه سلام الله علیها در حالی که به شدت مجروح شده بودند به سختی خود را به مسجد رساندند و مشاهده کردند که شمشیر را زیر گلوی امام گذاشته‌اند و می‌خواهند حضرت را مجبور به بیعت کنند. حضرت فاطمه سلام الله علیها بعد از آن تهدید کردند که اگر امام را رها نکنند به کنار قبر پیامبر می‌روند و آنان را نفرین می‌کنند. بر اساس گزارش

۱. مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، ص ۱۸۵؛ ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله، شرح

نهج‌البلاغه، ج ۱۴، ص ۱۹۲-۱۹۳.

۲. مسعودی، علی بن حسین، اثبات‌الوصیه، ص ۱۴۶.

۳. طبری آملی، محمد بن جریر، دلائل‌الإمامه، ص ۱۳۴.



تاریخی با رسیدن حضرت فاطمه سلام الله علیها به کنار قبر پیامبر، افراد حاضر در مسجد نشانه‌های غضب الهی را مشاهده کردند و همین امر باعث شد که آنان امام را رها کنند.^۱

بعد از این جریان بر اساس شواهد تاریخی حضرت فاطمه سلام الله علیها در اثر شدت مجروحیت تا شهادت در بستر افتادند.

در طول این ایام نیز، حضرت دست از مبارزه برنداشت و به مناسبت‌های مختلفی که پیش می‌آمد نارضایتی خویش را از حوادث بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و مسبب آن اعلام می‌کرد. از جمله در جریان عیادت ابوبکر و عمر از آن حضرت، ایشان به صراحت نارضایتی و غضب خویش از آنان و عملکردشان را اعلان کردند.^۲ علاوه بر این آن حضرت فاطمه سلام الله علیها به امام علی علیه السلام وصیت کرد شبانه و مخفیانه ایشان را به خاک سپارند زیرا نمی‌خواهند ابوبکر و عمر بر بدن ایشان نماز بخوانند.^۳

بر اساس گزارش‌های نقل شده در مدتی که حضرت فاطمه سلام الله علیها در بستر افتاده بودند جبرئیل به نزد او می‌آمد و او را تسلی می‌داد و او

۱. طبری آملی، محمد بن جریر، المسترشد فی إمامه علی بن ابی طالب علیه السلام، ص ۳۸۱.

۲. سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الیهلالی، ج ۱، ص ۸۶۹؛ ابن قتیبه، ابو محمد عبدالله بن مسلم، الإمامه و السیاسة المعروف، ج ۱، ص ۳۱؛ طبری، دلائل الامامه، ص ۱۳۴-۱۳۵.

۳. واقدی، محمد بن عمر، کتاب المغازی، باب غزوه خیبر، ج ۵، ص ۱۳۹؛ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۸۵.



را از جایگاه پدر بزرگوارشان [در بهشت] آگاه می‌کرد و به او از آنچه برای نسل وی پس از او رخ خواهد داد خبر می‌داد و امام علی علیه‌السلام آنان را مکتوب می‌کرد که این نوشته به مصحف فاطمه سلام الله علیها شهرت یافت.^۱

نتیجه:

حضرت فاطمه سلام الله علیها بعد از رحلت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بر روشنگری و احقاق حق حضرت علی علیه‌السلام و اثبات غاصب بودن اهل سقیفه اصرار داشتند. رفتن به درب خانه صحابه، خواند خطبه در مسجد، دفاع از حضرت علی علیه‌السلام در جریان هجوم به خانه ایشان، اعلام نارضایتی از عملکرد ابوبکر و عمر و در نهایت وصیت به دفن شبانه برخی اقدامات حضرت برای رسیدن به این هدف بود.

کلمات کلیدی:

هجوم به خانه حضرت فاطمه، دفن شبانه حضرت فاطمه سلام الله علیها، غضب حضرت فاطمه سلام الله علیها از ابوبکر و عمر.

معرفی منبع جهت مطالعه بیشتر:

۱- ماساه الزهرا سلام الله علیها، علامه سید جعفر مرتضی که توسط

۱. صفار قمی، محمد بن حسن بن فروخ، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، ص ۱۵۴، ۱۵۷؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۱۸۶-۱۸۷.



محمدتقی سپهر با عنوان: رنج‌نامه حضرت فاطمه سلام الله علیها، ترجمه شده است.

۲- حقیقت هجوم به خانه حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها از منابع عامه، نوشته جعفر تبریزی.



۶. جزئیات تجهیز بدن حضرت زهرا سلام الله علیها

پرسش:

درباره جزئیات غسل و کفن و دفن حضرت زهرا سلام الله علیها اینکه چگونه انجام شد و چه کسانی حاضر بودند توضیح فرمایید؟ امام علی علیه السلام چگونه حضرت زهرا سلام الله علیها را از زیر لباس غسل دادند؟

پاسخ:

حضرت فاطمه سلام الله علیها بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به واسطه اینکه حق ولایت حضرت علی علیه السلام توسط اهل سقیفه غصب شد سعی کردند تا تمام فعالیت هایشان در ایامی که بعد از پیامبر در قید حیات بودند برای احقاق حق امام علی علیه السلام باشد. بر همین اساس حتی در روزهای آخر عمر مبارک خویش با اعلام علنی نارضایتی خویش از غاصبان حق حضرت، وصیت کردند تا بدن مطهرشان مخفیانه و شبانه دفن شود تا کسانی که سبب نارضایتی ایشان شدند در تشییع جنازه ایشان حضور پیدا نکنند.

حضرت فاطمه سلام الله علیها در سال ۱۱ هجری قمری در اثر صدماتی جسمی ناشی از حوادث بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شهادت رسیدند.^۱ حضرت فاطمه سلام الله علیها به دلیل ناراحتی که از

۱. طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتعبد، ج ۲، ص ۷۹۳.



عملکرد برخی صحابه - مثل غصب حق ولایت امام علی علیه السلام بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، غصب فدک توسط آن‌ها و هجوم به خانه آن حضرت - داشتند وصیت کردند که امام علی علیه السلام ایشان را شبانه و مخفیانه غسل و کفن کنند.^۱ لذا امام علی علیه السلام وقتی عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله از ایشان خواست که اجازه دهد مهاجران و انصار را برای تشییع و نماز بر جنازه حضرت فاطمه سلام الله علیها جمع کند، امام علی علیه السلام بایمان این نکته که فاطمه سلام الله علیها وصیت کرده است نماز و تشییع او پنهانی باشد با پیشنهاد وی مخالفت کرد.^۲ بر همین اساس امام علی علیه السلام درخواست ابوبکر و عمر را که خواستند در نمازخواندن بر جنازه حضرت فاطمه سلام الله علیها بر آن دو پیشی نگیرد نپذیرفت.^۳

وصیت دیگر حضرت فاطمه سلام الله علیها این بود که امام علی علیه السلام او را بعد از رحلتش بدون اینکه لباس از بدنش دریاورد، غسل دهد.^۴ لذا حضرت علی علیه السلام شبانه و با کمک اسماء بنت

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الأملی (الصدوق)، ص ۶۵۸؛ همو، علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۸۵.

۲. ش طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ص ۱۵۶.

۳. سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الیهلالی، ج ۲، ص ۸۷۰.

۴. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۱۱۵.



عَمَّیس بدن حضرت را از زیر لباس غسل داد و سپس کفن کرد.^۱ بعد از آن امام علیه‌السلام به همراه امام حسن علیه‌السلام، امام حسین علیه‌السلام، بر جنازه فاطمه سلام‌الله علیها نماز خواندند.^۲ در برخی منابع تعداد نفراتی که بر بدن حضرت فاطمه سلام‌الله علیها نماز خواندند بیشتر ذکر شده است، بر اساس برخی روایات افزون بر امام علی علیه‌السلام و حسنین علیه‌السلام، نام عقیل برادر امام علی علیه‌السلام، عمار، مقداد، زبیر، ابوذر، سلمان فارسی، بُریده بن حصیب^۳ و عباس عموی حضرت و عبدالله بن مسعود^۴ نیز ذکر شده است.

حضرت علی علیه‌السلام پس از انجام غسل و کفن و نماز، بدن پاک و مطهر همسر عزیزشان را شبانه دفن کردند یعقوبی در کتاب تاریخش ذکر کرده است که علاوه بر امام علی علیه‌السلام و فرزندانش هنگام

۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیه‌السلام، ج ۳، ص ۳۶۴؛ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱۵؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۰۱.

۲. ابن عبدالوهاب، حسین، عیون المعجزات، ص ۵۵؛ طبری آملی، محمد بن جریر، دلائل الامامه، ص ۱۳۶.

۳. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، ج ۱، ص ۱۵۱-

۱۵۲؛ طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۱، ص ۳۰۰.

۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۰۰.



خاک‌سپاری، فقط سلمان و ابوذر و مقداد حضور داشتند.^۱ اما برخی منابع بایان نام برخی دیگر از اصحاب پیامبر که بدن حضرت نماز خواندند بیان کردند که آنان هم در تدفین حضرت فاطمه سلام‌الله علیها شرکت داشتند.^۲ ابن شهر آشوب در کتاب خویش نقل کرده است که هنگام دفن فاطمه سلام‌الله علیها، دو دست شبیه دستان پیامبر خدا از درون قبر ظاهر شده و به امام علی علیه‌السلام در دفن فاطمه سلام‌الله علیها کمک کرده است.^۳

از آنجا که بر اساس وصیت حضرت فاطمه باید مکان قبر ایشان مخفی می‌ماند امام علی علیه‌السلام پس از دفن همسر عزیزشان، آثار قبر را از بین برد تا قبر مشخص نباشد.^۴ علاوه بر این امام علی علیه‌السلام برای پنهان ماندن قبر فاطمه سلام‌الله علیها و جلوگیری از یافته شدن آن، چندین صورت قبر و به قولی چهل قبر^۵ ایجاد کردند. با این وجود بین روضه پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و منبر آن حضرت،^۶ خانه حضرت

۱. یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، تاریخ‌الیعقوبی، ج ۲، ص ۱۱۵.

۲. فتال نیشابوری، همان، ج ۱، ص ۱۵۱-۱۵۲؛ طبرسی، فضل بن حسن، اعلام‌الوری بأعلام‌الهدی، ج ۱، ص ۳۰۰.

۳. ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی‌طالب علیه‌السلام، ج ۳، ص ۳۶۵.

۴. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۳.

۵. ابن عبدالوهاب، حسین، عبون‌المعجزات، ص ۵۵.

۶. طبری آملی، محمد بن جریر، دلائل‌الامامه، ص ۱۳۶.



فاطمه و امام علی علیه السلام^۱ قبرستان بقیه^۲ سه مکانی هستند که به عنوان محل دفن احتمالی حضرت فاطمه سلام الله علیها در منابع ذکر شده‌اند. صبح روز بعد از دفن حضرت فاطمه سلام الله علیها، ابوبکر و عمر بن خطاب به همراه مردم، برای نماز خواندن بر جنازه به سمت خانه حضرت رفتند و مقدار به آن‌ها گفت که دیشب بدن مطهر حضرت فاطمه سلام الله علیها را دفن کرده‌اند.^۳

مردم با اطلاع از دفن فاطمه سلام الله علیها از اینکه نتوانسته‌اند در تشییع و نماز بر تنها فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله حاضر شوند، ناراحت شده و یکدیگر را ملامت می‌کردند.^۴ بعد از این جریان عمر بن خطاب گفت تا برخی از زنان مسلمان را بیاورید تا قبرها را نیش کنند تا جنازه حضرت فاطمه سلام الله علیها را پیدا کنند تا ما بر آن نماز بخوانیم و دوباره دفن کنیم و قبرش را زیارت کنیم.^۵ وقتی این خبر به امام علی علیه السلام رسید، بسیار خشمگین شد و شمشیرش را برداشت و به بقیع رفت^۶ و

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۴۶۱.

۲. سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الیهلالی، ج ۲، ص ۸۷۰-۸۷۱.

۳. ابن عبدالوهاب، حسین، عیون المعجزات، ص ۵۵؛ طبری آملی، محمد بن جریر، دلائل الامامه، ص ۱۳۶.

۴. سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الیهلالی، ج ۲، ص ۸۷۱.

۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۳۰۴.

۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۱۲.



پس از مشاجره‌ای که میان او و عمر درگرفت، فرمود: اگر کسی سنگی را از روی این قبرها جابجا کند، او را خواهد کشت^۱ عمر گفت اگر شمشیر خود را از غلاف بیرون بیاورم، به جایش بر نمی‌گردانم مگر اینکه تو را کشته باشم، پس از این تهدیدها، عمر از تصمیم خود منصرف شد.^۲

نتیجه:

حضرت فاطمه سلام‌الله علیها در سال ۱۱ هجری قمری در اثر جراحاتی که در جریان هجوم به خانه ایشان بر ایشان وارد شد به شهادت رسید. ایشان به دلیل نارضایتی که برخی صحابه پیامبر داشتند وصیت کردند که غسل و تدفین ایشان مخفیانه انجام شود بر همین اساس حضرت علی علیه‌السلام ایشان را بر اساس وصیت حضرت مخفیانه دفن کردند. امام بعد از دفن بدن پاک مطهر حضرت فاطمه سلام‌الله علیها علاوه بر اینکه صورت قبر حضرت را محو کردند، چندین صورت قبر ایجاد کردند و روز بعد وقتی عمر بن خطاب با عده‌ای سعی کردند قبر را پیدا کنند امام علی علیه‌السلام با هیبتی نظامی به سمت آن‌ها رفتند و بیان کردند که اگر این کار را انجام دهند حتماً به دست ایشان کشته خواهند شد و همین امر سبب شد که آن‌ها از تصمیم خویش منصرف شوند.

۱. طبری آملی، محمد بن جریر، دلائل الامامه، ص ۱۳۷.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۳۰۴.



کلمات کلیدی:

تدفین حضرت فاطمه سلام الله علیها، تشییع حضرت فاطمه سلام الله علیها، امام علی علیه السلام

معرفی منبع جهت مطالعه بیشتر:

کتاب: مأساه الزهرا نوشته علامه سید جعفر مرتضی که بانام رنج نامه حضرت فاطمه سلام الله علیها توسط جناب سپهری ترجمه و چاپ شده است.



۷. مخفی بودن قبر حضرت زهرا سلام الله علیها و حضور برخی از اصحاب در تشییع جنازه

پرسش:

اگر مخفی بودن قبر مطهر حضرت زهرا سلام الله علیها آن قدر مهم بود پس چرا طلحه و زبیر که در تشییع جنازه حضرت بودند و بعداً با امام علی علیه السلام دشمنی کردند، قبر حضرت را لو ندادند؟

پاسخ:

حضرت فاطمه سلام الله علیها از دستگاه خلافت و اقدامات آنان ناراضی بود و نمی خواست آنان در تشییع و نماز بر جنازه مطهرش حضور یابند، لذا بنا بر مستندات روایی و شواهد متعدد تاریخی حضرت فاطمه سلام الله علیها وصیت فرمود که قبرش مخفی باشد.^۱ در این مسئله تردیدی نیست و اگر این مسئله مهم نبود حضرت فاطمه سلام الله علیها چنین وصیتی نمی کرد.

اما نسبت به پرسش مذکور باید گفت، درباره طلحه چنین ادعایی نشده است، اما درباره زبیر اولاً: بر اساس گزارش های تاریخی حضور زبیر در تشییع جنازه حضرت زهرا سلام الله علیها امری قطعی نیست، زیرا برخی

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی (للصدوق)، ص ۶۵۸؛ همو، علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۸۵.



روایات مرتبط، نامی از او نبرده و قائل به حضور او نیستند.^۱ برخی کتب تنها به حضور او در نماز بر حضرت فاطمه سلام الله علیها اشاره کرده‌اند.^۲ ثانیاً: اینکه اگر زبیر در تشییع جنازه هم حضور داشت، دلیلی برای اینکه بخواهد بعد از گذشت ۲۵ سال، محل دفن حضرت فاطمه سلام الله علیها را آشکار سازد، وجود نداشت؛ زیرا این کار کمکی به او و پیمان شکنان نمی‌کرد. بلکه صرفاً حرکتی ایذائی محسوب می‌شد و سودی برای آنان نداشت زیرا تعیین نقطه دقیق دفن حضرت زهرا سلام الله علیها بدون حضور در مدینه برای او امکان‌پذیر نبود. از طرفی ورود به این قضیه چه بسا به لحاظ اجتماعی به ضررشان تمام می‌شد و این تصویر را در ذهن مردم تداعی می‌کرد که آنان برای اهداف سیاسی خود حرمت دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و قبر او را رعایت نمی‌کنند و در حقیقت وجهه و موقعیت سیاسی و اجتماعی آنان را تضعیف می‌کرد. به‌ویژه اینکه رابطه خویشاوندی بین زبیر با خاندان حضرت محمد صلی الله علیه و آله وجود داشت و این خود مانعی بود.

معمولاً در بین عرب به‌ویژه اشراف و بزرگان، از رفتارهای زبونانه و تحقیرآمیز اجتناب می‌کردند مانند کشتن زنان و کودکان در جنگ‌ها که

۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابي طالب علیه السلام ج ۳، ص ۳۶۳؛ مجلسی،

محمدباقر، بحار الانوار، مؤسسه الطبع و النشر، ج ۴۳، ص ۱۸۳.

۲. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری.



در صورت انجام چنین کارهایی نام ننگ بر آنها می‌ماند. چنانکه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌و آله از جنگیدن با زنان و کودکان و کشتن آنان نهی فرمود:^۱ چه‌بسا اقدامی نسبت به قبر مطهر حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها چنین ننگ و تحقیری را برای آنان به دنبال داشت؛ و مردم این چنین تحلیل می‌کردند که آنها چون قدرت جنگیدن با امیرالمؤمنین علیه‌السلام را نداشتند به رفتار ایذایی نسبت به قبر دختر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌و آله دست زدند.

علاوه بر این اگر هم آنان چنین اراده‌ای می‌کردند که قبر حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها را نمایان سازند با توجه به اینکه امام علی علیه‌السلام خلیفه و حاکم جامعه بود اجازه ورود به این قضیه را نمی‌داد و مردم هم به آن توجه نمی‌کردند.

نتیجه اینکه حضور زبیر در تشییع جنازه حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها قطعی نیست، علاوه بر این، اگر هم حاضر بود در صورت اقدام به معرفی محل دفن حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها، این کار نه‌تنها برای او سودی نداشت بلکه به ضرر او تمام می‌شد.

کلمات کلیدی:

قبر حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها، امام علی علیه‌السلام، زبیر.

^۱. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن.



برای مطالعه بیشتر:

- ۱- فاطمه از ولادت تا شهادت، علامه قزوینی.
- ۲- رنج های حضرت زهرا سلام/الله علیها، علامه جعفر مرتضی عاملی.



۸. تاریخچه عزاداری فاطمیه

پرسش:

عزاداری فاطمیه از چه زمانی رواج داشته؟ آیا همانند مراسم محرم و عزاداری امام حسین علیه‌السلام در قرون اول نیز سابقه داشته است؟

پاسخ:

کیفیت شهادت حضرت فاطمه سلام‌الله علیها و حواشی آن، به‌گونه‌ای است که با حساسیت‌ها و واکنش‌های مذهبی روبه‌رو است و از این رو، در بسیاری از جوامع و در بسیاری از دوره‌ها، عزاداری عمومی برای آن حضرت ممکن نبوده و اگر هم مراسمی در این باره برگزار می‌شده، به‌صورت خصوصی و دور از چشم دیگران بوده است. طبیعی است که چنین مراسمی، بازتابی در منابع تاریخی نداشته باشد. به‌خلاف عزاداری برای سیدالشهدا علیه‌السلام که هرچند حساسیت‌های سیاسی درباره آن مطرح بود، ولی از جهت مذهبی، با مخالفت پیروان سایر مذاهب روبه‌رو نبود و به‌ویژه در دوره‌هایی که شیعیان صاحب حکومت یا قدرت بودند، آشکارا و باصلاحت برگزار می‌شد و به‌مرور در بین تمام مسلمانان _ اعم از شیعه و سنی _ رواج یافت.

البته به‌صورت کلی، در هر دوره‌ای که شیعیان تحت فشار حکومت‌ها نبوده‌اند، عزاداری برای ائمه اطهار و فاطمه زهرا سلام‌الله علیها بیشتر می‌شده و شیعیان با خیالی آسوده‌تر و آشکارا به عزاداری می‌پرداخته‌اند؛



اما در دوره‌هایی که این فشار و تهدید از ناحیه حکومت و حاکمان وجود داشته، عزاداری کمتر می‌شده و به صورت مخفیانه صورت می‌گرفته. از این رو است که در دوره‌های اخیر که تشیع گسترش یافته و شیعیان کمتر احساس خطر کرده‌اند، عزاداری برای حضرت زهرا و سایر معصومین علیهم‌السلام نیز بیشتر و بهتر شده است.

اولین عزاداری برای حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها بعد از شهادت ایشان و در همان مدینه، توسط مردم مدینه صورت گرفت. شدت حزن و گریه زنان و مردان را در این روز، همانند روزی که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه و آله از دنیا رفته بود، توصیف کرده‌اند.^۱ علاوه بر این، گزارش‌هایی از عزاداری اهل بیت علیهم‌السلام برای حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها نقل شده است.^۲ در نقلی نیز آمده است که امام صادق علیه‌السلام برای حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها گریه می‌کرد و خطاب به یکی از یاران خویش، ماجرای سقط حضرت محسن علیه‌السلام و کتک خوردن حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها را بیان می‌فرمود.^۳ طبعاً چنین مطالبی در یک محفل خصوصی بیان شده و عزاداری علنی نبوده است.

۱. «قبضت فاطمه سلام‌الله‌علیها من یومها فارتجت المدینه بالیکاء من الرجال و النساء و دهش الناس کیوم قبض فیه رسول الله صلی‌الله‌علیه و آله»؛ سلیم بن قیس هلالی، کتاب

سلیم بن قیس الهلالی، ص ۸۷۰.

۲. الرحمانی الهمدانی، فاطمه الزهراء بهجه قلب المصطفی صلی‌الله‌علیه و آله، ص ۷۸۱.

۳. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایه الکبری، ص ۴۰۸ و ۴۱۷.



اما به گزارش قاضی عبدالجبار معتزلی (درگذشته ۴۱۵ ق) عده‌ای از شیعیان در مناطقی از جمله مصر، دمشق، بغداد، رمله، عکّا، صور، عسقلان و جبل البسماق برای حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها و فرزندش حضرت محسن علیه‌السلام که معتقد بودند توسط عمر کشته‌شده - عزاداری می‌کردند.^۱ این گزارش نشان می‌دهد که دست‌کم در قرن چهارم و اوایل قرن سیزدهم (دوران حیات قاضی عبدالجبار)، عزاداری شیعیان برای حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها، منحصر به محافل خصوصی نبوده و اگر هم علنی نبوده، دست‌کم به‌گونه‌ای بوده که یک عالم اهل سنت، از اصل عزاداری و موضوع آن اطلاع داشته است.

این روال، ادامه داشت تا اینکه در سده‌های اخیر، عزاداری برای حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها گسترش بیشتری یافت. چنان‌که برخی گزارش‌ها بازگوکننده عزاداری ایام فاطمیه در دوره قاجار است. از جمله نقل شده است که در دوره مشروطه و در سال ۱۳۲۵ ه.ق.

۱. قاضی عبدالجبار، عبدالجبار بن احمد، تنبیه دلائل النبوه، ج ۲، ص ۵۹۵.



(۱۲۸۶/ ه.ش) شیخ فضل‌الله نوری مطابق معمول هر سال که در جمادی‌الاولی به مناسبت ایام فاطمیه مجلس روضه‌خوانی برپا می‌کرد، در مسجد جامع چادری برپا کرد تا مجلس عزا برقرار کند.^۱

عزاداری ایام فاطمیه در دوره پهلوی نیز امری مرسوم بین محبین اهل‌بیت علیهم‌السلام بوده است. پس از تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در سال ۱۳۴۱ ه.ش جامعه مدرسین در دهم آبان همان سال، مجلس عزایی در روز وفات فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله علیها (سوم جمادی‌الثانیه ۱۳۸۲ ه.ق)، در مسجد اعظم قم برپا کرد. این مجلس، مورد استقبال شدید مردم قرار گرفت و امام خمینی و سایر مراجع و علمای طراز اول قم نیز در این اجتماع حضور داشتند. در این مجلس آیت‌الله مکارم شیرازی یکی از مدرسین و حجت‌الاسلام حاج شیخ مرتضی انصاری خطیب شهیر قم سخنرانی کردند.^۲ مراسم ایام فاطمیه در این دوران، محلی برای مبارزه با رژیم سفاک شاهنشاهی بود. ساواک ۹ مهر ۱۳۴۳ ه.ش در گزارشی با موضوع «نحوه گفتار و عاظ در ایام فاطمیه» به مسائل مطرح‌شده توسط و عاظ در این ایام پرداخته و اینکه «در برابر

۱. سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی به نقل از کتاب: ۱۴ قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، روح‌الله حسینیان، چاپ مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛ قابل‌مطالعه در لینک

ذیل: <https://irdc.ir/fa/news/۸۲۵۶/>

۲. کرباسچی، غلامرضا، هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۱۰۷.



قدرت‌ها باید مردم مبارزه منفی نمایند» را از محورهای مطرح‌شده آنان در منابع ذکر کرده است.^۱ برابر این اسناد، عزاداری ایام فاطمیه در این دوران در سراسر ایران مرسوم بوده است؛ چنانکه ساواک در گزارشی در مورد فعالیت‌های آیت‌الله مدنی در ایام فاطمیه آورده است:

«برابر اطلاع آقای مدنی که از نجف آمده‌اند ایام فاطمیه را

در همدان خواهند بود روزها در قریه دره مراد بیگ و شب‌ها

در مسجد جامع منبر می‌روند. ضمناً از آقای یاسینی

دعوت‌شده است که در مجالس ایشان منبر می‌رود».^۲

ساواک در گزارش ۲۷ شهریور ۱۳۴۶ با موضوع «مجلس روضه‌خوانی

در مسجد حاجی اسماعیل هوری» می‌نویسد:

«از ساعت ۱۹ روز ۲/۶/۴۶ مجلس روضه‌خوانی به مناسبت

ایام فاطمیه در مسجد حاج اسماعیل هوری واقع در میدان

شاه کوچک شترداران با شرکت عده‌ای در حدود ۳۰۰ نفر

تشکیل گردید».^۳

در مردادماه سال ۱۳۴۸ ش، حجت‌الاسلام حاج شیخ محمد علوی، امام

جماعت یکی از شبستان‌های مسجد جامع سبزوار که تشکلی به نام

۱. قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک، ج ۶، ص ۳۷۶.

۲. شهید آیت‌الله سید اسدالله مدنی به روایت اسناد ساواک، ص ۲۷.

۳. حجت‌الاسلام حاج شیخ احمد کافی به روایت اسناد ساواک، ص ۹۹.



«جمعیت خیراندیش مذهبی سبزوار» را سازمان‌دهی کرده بود، از آیت‌الله مکارم شیرازی دعوت نمود تا در ایام فاطمیه به مدت پنج شب در این شهرستان سخنرانی نماید.^۱ بر اساس اسناد ساواک در این دوره در شهر رفسنجان نیز مجالس عزاداری به این شکل برپا می‌شد که در ایام سال خصوصاً در ایام سوگواری (ماه‌های محرم و صفر - رمضان - ایام فاطمیه و رحلت ائمه اطهار) از ده روز جلوتر تا ده روز عقب‌تر در مساجد و منازل و تکایا مجلس روضه و ذکر مصیبت به پانمیند.^۲ بر اساس این اسناد در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۷ به مناسبت ایام فاطمیه مجلسی با حضور قریب ۱۳۰۰ نفر در مسجد ارک تهران برگزار شد.^۳

نتیجه:

همان روزی که خبر ارتحال حضرت زهرا سلام‌الله علیها منتشر شد، مردم مدینه به عزاداری برای ایشان پرداختند؛ ولی پس از آن، برپایی عزا برای حضرت زهرا سلام‌الله علیها به صورت علنی و عمومی، ممکن نبود و اگر عزایی بر پا می‌شد، در محافل خصوصی و غیرعلنی بود؛ به خلاف عزاداری برای سیدالشهدا علیه‌السلام که حساسیت مذهبی چندانی

۱. آیت‌الله‌العظمی ناصر مکارم شیرازی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، سند بدون شماره - ۸ /

۴۸ / ۵

۲. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان کرمان، کتاب ۲، ص ۲۶۰.

۳. پایگاه‌های انقلاب اسلامی، مسجد ارک تهران به روایت اسناد ساواک، ص ۶۰۱.



نداشت؛ اما گزارش‌هایی در دست است که نشان می‌دهد در سده چهارم، عزاداری شیعیان برای حضرت زهرا سلام‌الله علیها، دیگر مخفیانه و منحصر به محافل خصوصی نبوده است. این روال در سده‌های بعد نیز ادامه یافت و باقوت گرفتن شیعیان و برپایی حکومت‌های شیعی در قرون اخیر، مراسم مرتبط با شهادت حضرت فاطمه سلام‌الله علیها گسترش یافت؛ تا جایی که در دوره قاجار و پهلوی، به امری رایج میان علما و شیعیان تبدیل شده بود و هم‌اینک باشکوه بسیاری برگزار می‌گردد.

کلمات کلیدی:

ایام فاطمیه، پیشینه فاطمیه، عزاداری حضرت فاطمه، شهادت حضرت زهرا سلام‌الله علیها.

معرفی کتاب جهت مطالعه بیشتر:

کتاب: رنج‌های زهرا سلام‌الله علیها، تألیف مرحوم علامه جعفر مرتضی عاملی، مترجم: محمد سپهری. قم، نشر ایام، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.



کتابنامہ

قرآن کریم

١. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن ہبہ اللہ، شرح نہج البلاغہ، تحقیق: محمد ابو الفضل ابراہیم، قم: مکتبہ آیت اللہ مرعشی نجفی، چاپ اول، ١٤٠٤ ق.
٢. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک، بیروت: دارالکتب العلمیہ، چاپ اول، ١٤١٢ ق.
٣. ابن سعد، ابو عبد اللہ محمد، الطبقات الکبری، بیروت: انتشارات، دارالکتب العلمیہ، چاپ دوم، ١٤١٨ ق.
٤. ابن شہر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیہ السلام، قم: انتشارات علامہ، چاپ اول، ١٣٧٩ ق.
٥. ابن طیفور، احمد بن ابی طاہر، بلاغات النساء، قم: الشریف الرضی، چاپ اول، بی تا.
٦. ابن عبدالوہاب، حسین، عیون المعجزات، قم: مکتبہ الداوری، چاپ اول، بی تا.
٧. ابن قتیبہ، ابو محمد عبد اللہ بن مسلم، الإمامہ و السیاسہ المعروف، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالأضواء، چاپ اول، ١٤١٠ ق.
٨. ابن منظور، لسان العرب، بیروت: دارصادر، چاپ اول، ١٤١٠ ق.



۹. ابن بابویه، محمد بن علی، *الأمالی (للصدوق)* - تهران: کتابچی، چ ششم، ۱۳۷۶ ش.
۱۰. ابن بابویه، محمد بن علی، *علل الشرائع*، قم: داوری، چ اول، ۱۳۸۵ ش / ۱۹۶۶ م.
۱۱. ابوالفرج الاصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، نجف: منشورات المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۵ ق.
۱۲. اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، *كشف الغمه فی معرفه الأئمه*، قم: انتشارات رضی، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۴۶۸.
۱۳. *آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی به روایت اسناد ساواک*، جلد اول، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، بی تا.
۱۴. برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، تحقیق: محدث، جلال الدین، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ق.
۱۵. بلاذری، ابوالحسن احمد بن یحیی، *فتوح البلدان*، بیروت: دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۸ م.
۱۶. بلاذری، احمد بن یحیی، *انساب الاشراف*، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
۱۷. *پایگاه های انقلاب اسلامی، مسجد ارک تهران به روایت اسناد ساواک*، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، بی تا.
۱۸. جوهری، احمد بن عبدالعزیز، *السقیفه و فدک*، محمدهادی امینی، تهران: مکتبه نینوی الحدیثه، بی تا.



١٩. حجت الاسلام حاج شيخ احمد كافى به روايت اسناد ساواک، تهران: مرکز بررسى اسناد تاريخى، بى تا.
٢٠. حسینی جلالی، سید محمدباقر؛ فدک و العوالی أو الحوائط السبعه فى الكتاب و السنه و التاريخ و الأدب، قم: کنگره‌ی میراث علمى و معنوی حضرت فاطمه زهرا علیهما السلام، چاپ اول، ١٤٢٦ق.
٢١. حلبی، ابوالفرج حلبی شافعی، السیره الحلبیه، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ دوم، ١٤٢٧ق.
٢٢. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایه الکبری، بیروت: مؤسسه البلاغ، ١٤١٩ق.
٢٣. راوندی، قطب‌الدین سعید بن عبدالله، الخرائج والجرائح، تحقیق: مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی، قم: نشر مؤسسه امام مهدی، ١٤٠٩ق.
٢٤. الرحمانی الهمدانی، فاطمه الزهراء بهجه قلب المصطفى صلی الله علیه و آله، تهران: منیر، بى تا.
٢٥. سبط ابن الجوزی، تذکره النخوص، نجف: منشورات المکتبه الحیدریه، ١٣٨٢ق.
٢٦. سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، محقق و مصحح: محمد انصاری زنجانی خوئینی، قم: نشر الهادی، چاپ اول، ١٤٠٥ق.



۲۷. سمهودی، نورالدین علی بن احمد، *وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفی، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۲۰۰۶م.*
۲۸. سید رضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه، مترجم صالح صبحی، قم: انتشارات هجرت، ۱۴۱۴ ق.*
۲۹. شُرَّاب، محمدحسن، *المعالم الأثیره فی السنه و السیره، بیروت: دارالقلم، دمشق: دارالشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.*
۳۰. شهید آیت‌الله سید اسدالله مدنی به روایت اسناد ساواک، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، بی تا.
۳۱. صبری پاشا، ایوب، *موسوعه مرآه الحرمین الشریفین وجزیره العرب، قاهره: دارآفاق العربیه، ۱۴۲۴ق.*
۳۲. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، *علل الشرایع، تحقیق: سید محمدصادق بحر العلوم، نجف الأشرف: منشورات المکتبه الحیدریه ومطبعته، ۱۳۸۵ق/ ۱۹۶۶م.*
۳۳. صفار قمی، محمد بن حسن بن فروخ، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، تصحیح و تعلیق: میرزا محسن کوجه‌باغی تبریزی، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.*
۳۴. طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد: مرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.*
۳۵. طبرسی، فضل بن حسن، *اعلام الوری بأعلام الهدی، قم: مؤسسه آل‌البیت، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.*



۳۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح: هاشم رسولی، تهران: نشر ناصر خسرو، چاپ دوم، ۱۳۷۲ش.
۳۷. طبری آملی، محمد بن جریر، المسترشد فی إمامه علی بن أبی طالب علیه السلام، قم: کوشانپور، چ و اقدی،
۳۸. طبری آملی، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، بیروت: مؤسسہ الاعلمی، چهارم، ۱۴۰۳ق.
۳۹. طبری آملی، محمد بن جریر، دلائل الامامه، قم: بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۴۰. طبری، عمادالدین حسن بن علی، کامل بهایی، تهران: مرتضوی، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
۴۱. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، چاپ سوم، تهران: انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۴۲. طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم: دارالثقافه، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۴۳. طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتہجد و سلاح المتعبد، بیروت: مؤسسہ فقه الشیعہ، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۴۴. عسکری، سقیفہ: بررسی نحوه شکل گیری حکومت پس از پیامبر، قم: علامه عسکری، ۱۳۸۷ش.
۴۵. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضه الواعظین و بصیرہ المتعظین، قم: انتشارات رضی، چاپ اول، ۱۳۷۵ش.



۴۶. قاضی عبدالجبار، عبدالجبار بن احمد، تثبیت دلائل النبوه، مصر: دارالمصطفی، ۱۴۲۷ق.
۴۷. قاضی نعمان مغربی، ابوحنیفه نعمان بن محمد، شرح الأخبار فی فضائل الأئمه الأطهار علیهم السلام، قم: انتشارات جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۴۸. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، محقق موسوی جزایری، طیب، قم: دارالکتاب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.
۴۹. قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک - جلد ۶، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، بی تا.
۵۰. کرباسچی، غلامرضا، هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، ج ۱، تهران: بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.
۵۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، چ پنجم، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ق.
۵۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: المکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۸ ق.
۵۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۵۴. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الطبع و النشر، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
۵۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۳ش.



٥٦. محمد بن عمر، *كتاب المغازی*، تحقیق د. مصطفیٰ دیب البغا، بیروت: ناشر: دار ابن کثیر، الیمامه، الطبعة: الثالثة، ١٤٠٧ق.
٥٧. مسعودی، علی بن حسین، *اثبات الوصیه*، قم: انصاریان، ١٣٨٤ش.
٥٨. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (منسوب)، *الاختصاص*، قم: کنگره شیخ مفید، چاپ اول ١٤١٣ق.
٥٩. مفید، محمد بن محمد، *الاختصاص*، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم: المؤتمر العالمی لالیفیه الشیخ المفید، ١٤١٣ق.
٦٠. هیثمی، ابوالحسن نورالدین علی بن ابی بکر بن سلیمان، *مجمع الزوائد ومنبع الفوائد*، محقق: حسام الدین القدسی، قاهره: مکتبه القدسی، ١٤١٤ق.
٦١. یاقوت حموی، *البلدان*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
٦٢. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت: دار صادر، چاپ اول، بی تا.



دفتر تبلیغات اسلامی
حوزه علمیه قم

اشاره کردید که چند میلیون سؤال از شما شده است، غالباً خیلی از سؤال کنندگان جوانها و دانشجوها هستند. این کار خوبی است، البته این سستی بوده که از قبل در حوزه وجود داشته است. ممکن است یک نفر سؤال کند اما این سؤال در ذهن هزار نفر باشد توصیه من در مورد این سؤالها این است که اینها را تدوین کنید، چاپ کنید و به شکل‌های خوب در اختیار جوانها و دانشجوها بگذارید و بگویید این سؤالها شده، جوابهایش اینها است؛ به نظر یکی از کارهای واجب این است.

